

مقایسه سبک‌های دلبستگی، سطح تمایز یافتگی در دانشجویان متأهل دارای رابطه و فاقد رابطه قبل از ازدواج و نحوه نگرش آنان نسبت به ازدواج

لیدا رستمی^۱

محمود گودرزی^۲

چکیده

همزمان با ورود جامعه ایرانی به نظام مدرن، نهاد خانواده و ازدواج تحولات مهمی را از سر گذرانده است از جمله این تحولات، افزایش رابطه دوستی قبل از ازدواج است. هدف از انجام پژوهش حاضر، مقایسه سبک‌های دلبستگی و سطح تمایز یافتگی در دانشجویان متأهل دارای رابطه و فاقد رابطه قبل از ازدواج و نحوه نگرش آنان نسبت به ازدواج بود. روش پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی از نوع علی-مقایسه‌ای است. جامعه پژوهش شامل تمامی دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی کرمانشاه در سال ۱۳۹۷-۹۸ (براساس آمار دانشگاه حدوداً ۲۰۰۰ نفر) که با توجه به روش پژوهش از میان آنان به روش نمونه‌گیری هدفمند تعداد ۸۰ نفر در دو گروه دارای تجربه رابطه قبل از ازدواج (۴۰ نفر) و فاقد تجربه رابطه قبل از ازدواج (۴۰ نفر) به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. از پرسشنامه‌های دلبستگی بزرگسال کولینز و رید (۱۹۹۰)، تمایز یافتگی اسکورن و دندی (۱۹۹۸) و نگرش به نحوه انتخاب همسر لارسون (۱۹۹۳) استفاده شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از تحلیل واریانس ANOVA و توسط نرم افزار SPSS نسخه ۲۵ انجام شد. نتایج حاکی از آن بود که در میان دانشجویان متأهل دارای رابطه و فاقد رابطه قبل از ازدواج تفاوت معناداری میان سبک‌های دلبستگی و سطح تمایز یافتگی ($P \geq 0/05$) وجود ندارد. و همچنین در نحوه نگرش به انتخاب همسر در میان دانشجویان تفاوت معناداری وجود دارد ($P \leq 0/05$). می‌توان نتیجه گرفت روانشناسان و مشاوران در فرایندهای مشاوره‌ی قبل از ازدواج به میزان تمایز یافتگی و دلبستگی افراد و نحوه نگرش آنان نسبت به ازدواج توجه ویژه‌ای داشته باشند.

واژه‌گان کلیدی: سبک‌های دلبستگی، سطح تمایز یافتگی، نحوه نگرش به انتخاب همسر.

۱- کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران

۲- استادیار گروه مشاوره خانواده، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

خانواده یکی از مهم‌ترین نهادهای جامعه و شکل دهنده شخصیت آدمی است که موجب رشد احساسات و ارزش‌ها، تکامل، اعتماد به نفس و اجتماعی شدن، قدرت انتخاب و در نهایت تصمیم‌گیری منطقی افراد می‌شود (شهیدی، ۱۳۹۳؛ به نقل از فاطمی‌اصل، گودرزی، کریمی‌اصل و بوستانی‌پور، ۱۳۹۷) ازدواج در اسلام پیمان مقدس و مستحکم است که جلوه‌های این تقدس بخش را می‌توان در مبانی دینی و فرهنگی بسیاری از ملت‌ها مشاهده کرد (پین، ۲۰۱۰). ازدواج به عنوان یکی از وقایع مهم حیاتی که از نظر اجتماعی به عنوان پیوندی باثبات و هدفمند بین زن و مرد در بستر خانواده شناخته می‌شود در سال‌های اخیر دچار تغییر و تحولات عمیقی در تمامی ابعاد شده است (بانکی‌پورفرد، ۱۳۹۰). از جمله این تحولات روابط جنسی قبل از ازدواج است که باعث تغییر نگرش افراد در مورد ازدواج، طلاق و روابط خارج از ازدواج می‌شود. این تغییر نگرش به شکلی است که میزان مشکلات و احتمال طلاق را در آن‌ها بالا می‌برد. در عین حال افرادی که وارد این روابط می‌شوند فارغ از پیامدهایی که این روابط بر آن‌ها خواهد گذاشت در مجموع افرادی هستند با استانداردها، نگرش‌ها و ارزش‌های متفاوت با جامعه و گاه خانواده، مهارت‌های ارتباطی ضعیف‌تر، احساس عدم اطمینان به آینده و دارای روابط سرد و نامناسب با خانواده، افزایش میانگین سن ازدواج، کاهش تمایل به ازدواج و افزایش تجرد قطعی است (برون، ۲۰۰۶؛ تاج و هالپر، ۲۰۱۲؛ رفاهی، گودرزی، میرزایی چهارراهی، ۱۳۹۱؛ عظیمی‌هاشمی، اعظم‌کاری، بیگناه، رضامنش، ۱۳۹۴؛ اسدیان، محمدزاده، و نجفی، ۱۳۹۴؛ محمودیان و دراهکی، ۱۳۹۳؛ خلیج‌آبادی‌فراهانی، ۱۳۹۵). سازه نگرش به ازدواج نشان‌دهنده احساسات و تمایلات، پیش‌داوری‌ها یا سوگیری‌ها، تصورات از پیش‌فرض شده و ترس‌ها و عقاید راسخ افراد

¹ -payn

² - Brown

³ -Tach & Halpern

در مورد ازدواج است. بنابراین، نگرش فرد به ازدواج شیوه فکر و احساس کردن او در مورد ازدواج است (میننگ و متیتی^۱، ۲۰۱۵). به باور بوئن^۲ (۱۹۸۷) آغاز فرایند همسری و نگرش به ازدواج، با درآمیختگی و امتزاج عاطفی شکل می گیرد (موسوی و رضازاده، ۱۳۹۳). تمایز یافتگی یکی از مؤلفه های مهم خانوادگی است که ممکن است در نگرش به ازدواج نقش داشته باشد. تمایز یافتگی دارای دو بعد درونی معرف بلوغ عاطفی و بعد بین فردی معرف بلوغ ارتباطی است. افراد با سطح بالایی از تمایز یافتگی، بهتر می توانند با شرایط استرس زا کنار بیایند، سازگاری بیشتر و انعطاف پذیرتر هستند و در شرایط هیجانی مستقل تر عمل می کنند و کمتر تحت تأثیر شرایط قرار خواهند گرفت (کیم و جانگ^۳، ۲۰۱۵). تحقیقات دیگر هم نشان دادند که تمایز یافتگی خود در نگرش به ازدواج نقش دارد. مفهوم تمایز یافتگی ناظر بر وضعیتی است که یک عضو خانواده کارکرد عقلانی خود را از کارکرد هیجانی متمایز سازد و از امتزاج با هیجانات غالب خانواده احتراز کند (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ترجمه حسین شاه براواتی، ۱۳۹۲). تمایز یافتگی یک جزء جدایی ناپذیر از توانایی فرد برای رشد صمیمیت است (رجبی، علیمرادی، مرادی، ۲۰۱۶؛ بلیاد، ناهیدپور، آزادی، ۲۰۱۶). از لحاظ نظری حداقل چهار عامل بر سطح تمایز یافتگی فرد تأثیر می گذارد:

واکنش پذیری هیجانی^۴: زمانی که هیجانات بر افکار غلبه می کنند و تفرد شخصی را در خود فرو می برند.

گسلش عاطفی^۱: زمانی که اعضای خانواده به دلیل دلبستگی های هیجانی حل نشده از لحاظ فیزیکی یا روانی از یکدیگر دوری می جویند.

1 - memani & mathitti,

2 - Bowen

3 - Kim & Jung

4 - Emotional reactivity

همجوشی یا امتزاج^۲: ادغام عملکردهای فکری و هیجانی چنانکه فرد حس و حال روشنی نسبت به خود یا دیگران ندارد.

وضع من^۳: اتخاذ موضع و صحبت کردن فرد به گونه‌ای که احساسات و افکارش را به شیوه‌ای شخصی و مسئولانه ابراز کند و به‌این ترتیب دیگران را به ابراز نظرات خود تشویق نماید.

در نتیجه تمایز یافتگی در میان افراد می‌تواند باعث تصمیم‌گیری درست و درک عمیقی در روابط قبل از ازدواج داشته باشد، چراکه افراد تمایز یافته تعریف مشخصی از خود و عقایدشان دارند، آن‌ها می‌توانند جهت خویش را در زندگی انتخاب کنند و در موقعیت‌های شدیداً عاطفی که در بسیاری از افراد منجر به بروز رفتارهای غیرعادی و گرفتن تصمیمات نافرجام می‌شود، کنترل خود را از دست ندهند (نعمی، ۱۳۹۴). تمایز یافتگی و سبک دلبستگی در افراد در روابط قبل از ازدواج آن‌ها بسیار مؤثر می‌باشد و باعث می‌شود که نگرش آن‌ها نسبت به ازدواج تغییر کند. روانشناسان سبک‌های دلبستگی و میزان تمایز یافتگی را به‌عنوان عوامل پایدار و چند نسلی تلقی کرده و پیشنهاد می‌کنند که چگونه ارتباطات اولیه افراد می‌تواند بر روابط زناشویی آن‌ها تأثیر بگذارد (بیرامی، ۱۳۹۱). سبک‌های دلبستگی با توجه به تأثیری عمیق که بر روابط صمیمی فرد (گوزمان-گونزالز، لافونتاین، و لوسکو^۴، ۲۰۱۶؛ هی و تسانگ^۵، ۲۰۱۴؛ مونتولیوا، گارسیا-ماتینز، کالو-سالگوئرو^۶، ۲۰۱۶؛ حسینی و علوی‌لنگرودی، ۱۳۹۶) به‌عنوان مبنایی برای روابط و جامعه‌پذیری بعدی عمل می‌کند (گیورس، جرای، و برسزکی^۷، ۲۰۱۰). می‌تواند نقش برابری را در

¹ - Emotional fault

² - Fusion

³ - My situation

⁴ - Guzmán-González, Lafontaine & Levesque

⁵ - He & Tsang

⁶ - Monteoliva, Garcia-Martinez & Calvo-Salguero

¹⁵ - Gyuris, Járαι, and Bereczke

شکل دهی به ارزش های فرهنگی ازدواج داشته باشد (بالبی،^۱ ۱۹۶۹) دلبستگی را «ارتباط روانی پایدار بین دو انسان» تعریف کرده است. بر اساس نظریه کردارشناسی دلبستگی، پیوند عاطفی بچه به مراقبت کننده به صورت پاسخ تکامل یافته ای می باشد که به بقا کمک می کند و دیدگاهی است که مقبولیت زیادی دارد. (بالبی،^۲ ۱۹۸۰). ابراز داشت که نوزادان، تجربیات خود با مراقبان را برای ایجاد نموده های دلبستگی درونی یا الگوهای فعال سازی درونی درباره ی خودشان و دیگران در روابط بیرون می کشند و این نموده های دلبستگی در پی آن، انتظارات در مورد روابط و آینده را شکل می دهند و از سوی دیگر، طرحواره ها باورهای ارزیابی گرایانه در مورد خود و دیگران را شامل می شوند. چنین بیان شده است که بازنمایی های دلبستگی می توانند به عنوان طرحواره های شناختی برای روابط، مفهوم سازی شوند که در پاسخ به تجربیات با مراقبان دوران کودکی شکل گرفته اند (ویردن، پترز و بری^۳، ۲۰۱۴). . نتایج تحقیقات (استلی، رهودز، ویجز^۴، ۲۰۱۰؛ باکر و هوگر^۴، ۲۰۱۲؛ مؤذنی، آقایی، گل پرور، ۱۳۹۰) نشان داد که سبک های دلبستگی به عنوان یک پیش بینی کننده روابط عاشقانه در بزرگسالی است به شدت با اشکال مختلف عشق ارتباط دارد. تعهد می تواند دلبستگی عاشقانه ایمن را افزایش دهد. سبک های دلبستگی، تعیین کننده قواعد عاطفی، شناختی و راهبردهایی است که واکنش های هیجانی را در افراد و روابط بین شخصی هدایت می کند. با توجه به مبانی نظری و پژوهش های موجود این سؤال برای پژوهشگر ایجاد شد که آیا بین دانشجویان متأهلی که رابطه قبل از ازدواج برقرار کرده اند و افرادی که رابطه قبل از ازدواج نداشتن از نظر میزان تمایز یافتگی، سبک های دلبستگی و نحوه نگرش به ازدواج تفاوتی وجود دارد.

¹ - Bowlby

² - Wearden , Peters & Barry

³ - stanli, Rhoades, & whitton

⁴ - Baker & Horger

روش

جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش

این پژوهش به روش توصیفی و از نوع علی-مقایسه‌ای بوده است. جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی کرمانشاه (که بر اساس آمار دانشگاه حدوداً ۲۰۰۰ نفر) در سال تحصیلی ۹۸-۹۷ بوده که باتوجه به روش پژوهش از میان آنان به روش نمونه‌گیری هدفمند تعداد ۸۰ نفر در دو گروه دارای تجربه رابطه قبل از ازدواج (۴۰ نفر) و فاقد تجربه رابطه قبل از ازدواج (۴۰ نفر) به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. ملاک‌های ورود برای اعضای گروه نمونه؛ دانشجویان متأهل با (دامنه سنی ۲۰-۴۰ سال) می‌باشد. روش اجرا: ابتدا دانشجویان متأهل را به صورت گروهی در یک کلاس گردهم آورده شد و در مورد اهداف و فرایند مطالعه توضیح داده شد. بعد از اعلام آمادگی برای شرکت در پژوهش، پرسشنامه‌ها در اختیار آن‌ها قرار گرفت تا تکمیل شوند. مجموع سوالات پرسشنامه‌ها ۱۳۸ آیتم بود. ملاک ورود آزمودنی‌ها به پژوهش عبارت بودند از: حداقل ۲۰ سال سن و حداکثر ۴۰ سال داشته باشند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در این پژوهش از آمار توصیفی استفاده شد. برای نرمال بودن، داده‌های پژوهش با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف بررسی شده است. برای بررسی همگنی واریانس‌ها در خرده مقیاس‌های ویژگی‌های شخصیتی و نحوه نگرش به ازدواج در دو گروه دارای رابطه و فاقد رابطه قبل از ازدواج از آزمون لوین استفاده شد که نتایج نشان داد واریانس‌ها همگن هستند؛ و برای بررسی آزمون فرضیه‌های پژوهش از تحلیل واریانس *ANOVA* استفاده شده است. همچنین تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار *SPSS* نسخه ۲۵ صورت گرفت

ابزار سنجش

پرسشنامه تمایز یافتگی اسکورن و دندی (۱۹۹۸)

پرسشنامه تمایز یافتگی، توسط اسکورن و دندی، در سال ۱۹۹۸ تهیه شده است و برآوردی از میزان تمایز یافتگی فرد یا میزان توانایی فرد در تفکیک فرآیندهای عقلانی و احساسی از یکدیگر را به دست می دهد. این پرسشنامه ۴۵ سؤال دارد که در مقیاس ۶ درجه ای لیکرت از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم درجه بندی شده است. نمره گذاری این پرسشنامه بر اساس طیف لیکرت ۶ درجه ای و به صورت کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم می باشد و همچنین مؤلفه های آن عبارت اند از: آلفای کرون باخ در پژوهش اسکورن و دندی برای تمایز یافتگی کلی ۰/۸۸ و برای مؤلفه ها ۰/۶۳، ۰/۷۵، ۰/۶۰ و ۰/۷۰ است. در پژوهش اسکیان، (۱۳۸۴) آلفای کرونباخ ۰/۸۱ به دست آمد. همچنین روایی محتوای پرسشنامه توسط اساتید مطلوب گزارش شده است. یوسفی (۱۳۹۰) پرسشنامه تمایز یافتگی را با جامعه ای شامل کلیه زنان و مردان شرکت کننده در کلاس های آموزش خانواده مدارس راهنمایی شهرستان سندج در سال ۱۳۹۰ و با نمونه ای به حجم ۵۱۲ نفر هنجاریابی کرده است.

پرسشنامه دلبستگی بزرگسال کولینز و رید (۱۹۹۰)

پرسشنامه سطح دلبستگی بزرگسالان توسط کولینز و رید در سال ۱۹۹۰ تهیه شده است. این مقیاس، شامل خودارزیابی از مهارت های ایجاد ارتباط و خود توصیفی شیوه شکل دهی دلبستگی های نزدیک و مشتمل بر ۱۸ ماده است که با علامت گذاری روی یک مقیاس ۵ درجه ای لیکرت در هر ماده (که از ۱ = کاملاً درست تا ۵ = کاملاً نادرست) سنجیده می شود. تحلیل عوامل، سه زیر مقیاس را مشخص می سازد که هر کدام شامل ۶ ماده است. کولینز و رید بر پایه توصیف هایی که در پرسشنامه دلبستگی هازان و شیور در مورد سه سبک اصلی دلبستگی وجود داشت، مواد

پرسشنامه خود را تدارک دیده‌اند. زیر مقیاس اضطراب با دلبستگی ناایمن اضطرابی - دوسوگرا مطابقت دارد و زیر مقیاس نزدیک بودن، یک بعد دوقطبی است که اساساً توصیف‌های ایمن و اجتنابی را در مقابل هم قرار می‌دهد (فینی و نولر، ۱۹۹۶). بنابراین نزدیک بودن در تطابق با دلبستگی ایمنی بخش می‌باشد و زیر مقیاس وابستگی را می‌توان عکس همزمان دلبستگی اجتنابی قرار داد. اجرای این پرسشنامه می‌تواند به صورت فردی، یا گروهی صورت گیرد. کولینز و رید (۱۹۹۰)، به نقل از پاکدامن، (۱۳۸۰) نشان دادند که زیر مقیاس‌های نزدیک بودن، وابستگی اضطراب در فاصله زمانی ۲ ماه و حتی در طول ۸ ماه پایدار ماندند و در مورد قابلیت اعتماد مقیاس دلبستگی بزرگسال کولینز و رید میزان آلفای کرونباخ را برای هر زیر مقیاس این پرسشنامه در ۳ نمونه از دانشجویان انجام گردید و مقادیر آلفای کرونباخ در تمامی موارد مساوی یا بیش از ۰/۸۰ است. آزمون از اعتبار بالایی برخوردار است.

پرسشنامه نگرش به نحوه انتخاب همسر لارسون (۱۹۹۳).

این پرسشنامه در ابتدا توسط کاپ، لارسون و واتسون تحت عنوان مقیاس نگرش نسبت به روابط عاشقانه و انتخاب همسر و به منظور ارزیابی باورهای الزام‌آور و محدودکننده در کانادا تدوین شد. پرسشنامه مذکور حاوی ۳۲ سؤال و ۷ عامل بوده است. مبنای نظری پرسشنامه مذکور عقاید محدودکننده لارسون (۱۹۹۳) در مورد انتخاب همسر است. لارسون در سال ۱۹۹۲ نقش عقاید را مورد بازبینی و بررسی قرار داد و ۷ عقیده محدودکننده که معمولاً افراد در پی فرایند انتخاب همسر خود به کار می‌برند را تعریف و تعیین کرد که براساس مقیاس لیکرت در پنج طیف (کاملاً مخالف، مخالف، موافق و کاملاً موافق) درجه بندی شده است. به ترتیب از نمره ۱ الی ۴ نمره گذاری می‌شوند. پایایی این پرسشنامه در پژوهش کاپ و همکاران (۲۰۰۳) بر اساس ضریب آلفای کرونباخ

برای همه مقیاس ها در کل ۰/۸۸ به دست آمده و برای خرده مقیاس از ۰/۶۴ یا ۰/۹۸ متغیر بوده است و در ایران پایایی این پرسشنامه در پژوهش فرحبخش و مصری پور بر اساس روش آلفای کرونباخ ۰/۹۰ و روش باز آزمایی ۰/۷۲ و روایی از طریق روش روایی واگرا در سطح ۰/۹۹ گزارش شده است. ضریب آلفای کرونباخ برای این پژوهش ۰/۸۴ بدست آمده است.

یافته ها

میانگین و انحراف استاندارد نمره های آزمودنی ها در متغیرهای پژوهش در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱- شاخص های توصیفی متغیرهای پژوهش در آزمودنی های فاقد رابطه قبل از ازدواج

متغیر	زیر مقیاس	میانگین	انحراف استاندارد
سبک های دلبستگی	ایمن	۱۳/۱۲	۲/۰۹
	اجتنابی	۱۲/۵۰	۲/۱۸
	دوسوگرا / اضطرابی	۱۰/۷۰	۳/۵۷
	نمره کل	۳۶/۳۲	۴/۲۹
تمایز یافتگی	واکنش پذیری عاطفی	۳۸/۸۷	۶/۳۶
	جایگاه من	۳۹/۰۰	۴/۹۳
	گریز عاطفی	۴۲/۹۵	۶/۹۲
	هم آمیختگی	۳۰/۶۷	۴/۷۳
	نمره کل	۱۵۱/۵۰	۱۴/۳۷
نحوه نگرش		۱۷۵/۱۲	۱۸/۰۰

جدول (۱) شاخص های توصیفی متغیرهای پژوهش در آزمودنی های فاقد رابطه قبل از ازدواج را نشان می دهد. میانگین و انحراف معیار برای نمره کل متغیر سبک های دلبستگی $36/32 \pm 4/29$ و برای مؤلفه های دلبستگی ایمن $13/12 \pm 2/09$ ، دلبستگی اجتنابی $12/50 \pm 2/18$ و دوسوگرا/

اضطرابی $۱۰/۷۰ \pm ۳/۵۷$ می‌باشد و همچنین برای نمره کل متغیر تمایز یافتگی $۱۵۱/۵۰ \pm ۱۴/۳۷$ و برای مؤلفه‌های تمایز یافتگی، واکنش‌پذیری عاطفی $۳۸/۸۷ \pm ۶/۳۶$ ، جایگاه من $۳۹/۰۰ \pm ۴/۹۳$ ، گریز عاطفی $۴۲/۹۵ \pm ۶/۹۲$ و هم آمیختگی $۳۰/۶۷ \pm ۴/۷۳$ می‌باشد و در آخر برای متغیر نحوه نگرش به انتخاب همسر $۱۷۵/۱۲ \pm ۱۸/۰۰$ می‌باشد.

جدول (۲) شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش در آزمودنی‌های دارای رابطه قبل از ازدواج

متغیر	زیر مقیاس	میانگین	انحراف استاندارد
سبک‌های دلبستگی	ایمن	۱۳/۳۲	۲/۶۳
	اجتنابی	۱۳/۴۷	۲/۲۵
	دوسوگرا / اضطرابی	۱۱/۲۰	۵/۳۶
	نمره کل	۳۸/۰۰	۵/۰۷
تمایز یافتگی	واکنش‌پذیری عاطفی	۳۷/۸۰	۵/۱۷
	جایگاه من	۳۷/۸۲	۵/۱۳
	گریز عاطفی	۴۳/۱۲	۹/۷۷
	هم آمیختگی	۲۸/۱۰	۷/۰۰
	نمره کل	۱۴۶/۸۵	۱۷/۲۶
نحوه نگرش		۱۸۱/۳۰	۲۸/۳۶

جدول (۲) شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش در آزمودنی‌های دارای رابطه قبل از ازدواج را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود میانگین و انحراف معیار برای نمره کل متغیر سبک‌های دلبستگی $۳۸/۰۰ \pm ۵/۰۷$ و برای مؤلفه‌های دلبستگی ایمن $۱۳/۳۲ \pm ۲/۶۳$ ، دلبستگی اجتنابی $۱۳/۴۷ \pm ۲/۲۵$ و دوسوگرا / اضطرابی $۱۱/۲۰ \pm ۵/۳۶$ می‌باشد و همچنین برای نمره کل متغیر تمایز یافتگی $۱۴۶/۸۵ \pm ۱۷/۲۶$ و برای مؤلفه‌های واکنش‌پذیری عاطفی $۳۷/۸۰ \pm ۵/۱۷$ ، جایگاه من

۳۷/۸۲±۵/۱۳، گریز عاطفی ۴۳/۱۲±۹/۷۷ و هم آمیختگی ۲۸/۱۰±۷/۰۰ می باشد و در آخر برای نمره کل متغیر نحوه نگرش به انتخاب همسر ۱۸۱/۳۰±۲۸/۳۶ می باشد

جدول (۳) آزمون تحلیل واریانس

سطح معناداری	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	
۰/۷۰	۰/۱۴	۰/۸۰	۱	۰/۸۰	بین گروهی
		۵/۶۵	۷۸	۴۴۱/۱۵	درون گروهی
			۷۹	۴۴۱/۹۵	مجموع
۰/۰۵	۳/۸۶	۱۹/۰۱	۱	۱۹/۰۱	بین گروهی
		۴/۹۲	۷۸	۳۸۳/۹۷	درون گروهی
			۷۹	۴۰۲/۹۸	مجموع
۰/۶۲	۰/۲۴	۵/۰۰	۱	۵/۰۰	بین گروهی
		۲۰/۷۷	۷۸	۱۶۲۰/۸۰	درون گروهی
			۷۹	۱۶۲۵/۸۰	مجموع

به منظور بررسی تفاوت نمرات سبک های دلبستگی در دانشجویان متأهل دارای رابطه قبل از ازدواج و فاقد رابطه قبل از ازدواج، از آزمون تحلیل واریانس استفاده شد. سطح معناداری به دست آمده از آزمون تحلیل واریانس نشان داد که بین دو گروه از دانشجویان متأهل، در سبک های دلبستگی تفاوت معنادار وجود ندارد ($P \geq 0/05$). بنابراین فرض خلاف رد و فرض صفر مبنی بر عدم تفاوت بین نمرات سبک های دلبستگی در دانشجویان متأهل تأیید می شود.

جدول (۴) آزمون تحلیل واریانس

سطح معناداری	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات		
۰/۴۱	۰/۶۸	۲۳/۱۱	۱	۲۳/۱۱	بین گروهی	واکنش پذیری عاطفی
		۳۳/۶۷	۷۸	۲۶۲۶/۷۷	درون گروهی	
			۷۹	۲۶۴۹/۸۸	مجموع	
۰/۳۰	۱/۰۸	۲۷/۶۱	۱	۲۷/۶۱	بین گروهی	جایگاه من
		۲۵/۳۵	۷۸	۱۹۷۷/۷۷	درون گروهی	
			۷۹	۲۰۰۵/۳۸	مجموع	
۰/۹۲	۰/۰۰	۰/۶۱	۱	۰/۶۱	بین گروهی	گریز عاطفی
		۷۱/۷۲	۷۸	۵۵۹۴/۲۷	درون گروهی	
			۷۹	۵۵۹۴/۸۸	مجموع	
۰/۰۵	۳/۷۱	۱۳۲/۶۱	۱	۱۳۲/۶۱	بین گروهی	هم آمیختگی
		۳۵/۷۸	۷۸	۲۷۸۸/۳۷	درون گروهی	
			۷۹	۲۹۲۰/۹۸	مجموع	

به منظور بررسی تفاوت تمایز یافتگی در دانشجویان متأهل دارای رابطه قبل از ازدواج و فاقد رابطه قبل از ازدواج، از آزمون تحلیل واریانس استفاده شد. همچنین سطح معناداری به دست آمده از آزمون تحلیل واریانس نشان داد که بین دو گروه از دانشجویان متأهل دارای رابطه و فاقد رابطه قبل از ازدواج، در هیچ کدام از زیرمقیاس‌های تمایز یافتگی تفاوت معنادار وجود ندارد ($P \geq 0/05$). بنابراین فرض خلاف رد و فرض صفر مبنی بر تفاوت بین نمرات تمایز یافتگی در دانشجویان متأهل تأیید می‌شود.

جدول (۵) آزمون تحلیل واریانس

مجموع مجدورات	درجه آزادی	میانگین مجدورات	F	سطح معناداری
بین گروهی	۱	۷۶۲/۶۱	۱/۳۵	۰/۰۲
درون گروهی	۷۸	۵۶۴/۳۹		
مجموع	۷۹	۴۴۷۸۵/۳۸		

به منظور بررسی تفاوت نمرات نحوه نگرش به انتخاب همسر در دانشجویان متأهل دارای رابطه قبل از ازدواج و فاقد رابطه قبل از ازدواج، از آزمون تحلیل واریانس استفاده شد. همچنین سطح معناداری به دست آمده از آزمون تحلیل واریانس نشان داد که بین دو گروه از دانشجویان متأهل دارای رابطه و فاقد رابطه قبل از ازدواج، تفاوت معنادار وجود دارد ($P \leq ۰/۰۵$). بنابراین فرض صفر رد و فرض خلاف مبنی بر تفاوت بین نمرات نحوه نگرش به انتخاب همسر در دانشجویان متأهل تأیید می شود.

بحث و نتیجه گیری

با وجود پژوهش های موجود در خصوص روابط قبل از ازدواج، کم تر پژوهشی مقایسه سبک های دلبستگی، سطح تمایز یافتگی در دانشجویان متأهل دارای رابطه و فاقد رابطه قبل از ازدواج و نحوه نگرش آنان نسبت به ازدواج شاهدیم. از آنجایی که ازدواج مهم ترین تصمیم و از ضروریات تمام زندگی انسان به شمار می رود، لذا بررسی عوامل روان شناختی مؤثر بر ازدواج ضروری به نظر می رسد. انجام این پژوهش موجبات دانش افزایی در حوزه ازدواج جوانان را نیز فراهم می کند. یافته های به دست آمده نشان می دهد که بین سبک دلبستگی، ایمن، اضطرابی - دوسوگرا، اجتنابی با نگرش آنها نسبت به ازدواج تفاوت معناداری وجود ندارد. می توان بیان کرد که سبک دلبستگی در طی عمر فعال

باقی می‌ماند و به عنوان یک اصل، چگونگی ارتباط با همسر را تعیین می‌کند. بنابراین، می‌توان انتظار داشت کسانی که سبک‌های ایمن دارند الگوهای متفاوتی را در روابط صمیمانه به نمایش می‌گذارند. در بزرگسالان، کسانی که دلبستگی ایمن دارند معمولاً به دنبال روابط قابل اعتمادتر و پایدارتری هستند. سایر ویژگی‌های کلیدی دلبستگی ایمن در بزرگسالان شامل خودباوری زیاد، لذت بردن از روابط صمیمانه، جستجوی حمایت اجتماعی و توانایی در به اشتراک گذاشتن احساسات با دیگران است. در پژوهش‌های مشابه مشخص گردید افراد دارای سبک ایمن یک دیدگاه مثبت از خود و همسرشان و احساسات نسبتاً قوی نسبت به ارزش خود دارند و به راحتی در روابط عاشقانه صمیمی می‌شوند بنابراین در زندگی زناشویی خود نیز متعهدانه‌تر برخورد می‌نمایند. این تبیین با یافته‌های پژوهش ما مطابقت و همخوانی دارد چراکه داشتن خودباوری در زندگی باعث خواهد شد دانشجویان متأهل زندگی صمیمانه‌تری را داشته باشند. پژوهشگران در یک مطالعه دریافتند که زنانی که دارای سبک دلبستگی ایمن هستند، احساسات مثبت‌تری درباره روابط عاطفی و عاشقانه خود دارند. کسانی که سبک‌های دلبستگی نایمن و اجتنابی را تجربه می‌کنند الگوهای متفاوتی را در روابط صمیمانه به نمایش می‌گذارند این افراد همیشه گوش به زنگ رفتارهای همسرانشان هستند. سبک‌های دلبستگی نایمن و اجتنابی در مقایسه با ایمن‌ها، علاقه کمتری به ایجاد روابط رمانتیک و تجربه صمیمیت نشان می‌دهند. پیشنهاد می‌گردد در اصلاح سبک‌های دلبستگی نامناسب و آموزش هر چه بیشتر راه‌های افزایش خود تمایزسازی زوجین و آموزش سبک فرزند پروری منطقی و آگاه کردن زوجین تبعات استفاده از سبک‌های فرزند پروری نامناسب (منظور ایجاد رابطه غلط قبل از ازدواج)، در جهت بالا بردن سلامت روان و کیفیت زندگی در خانواده و جامعه گام برداشته شود. همچنین شناسایی سبک‌های دلبستگی در زنان و مردان قبل از ازدواج سبب می‌شود که تعادلی میان زن و مرد برقرار شود.

در سطح تمایز یافتگی می توان گفت که تمایز یافتگی بیانگر میزان توانایی هر فرد برای تمیز بین فرآیند عقلی از فرآیند احساسی و عاطفی است. افراد تمایز یافته مفهوم نیرومندی از خویشتن در اختیار دارند. عقاید محکم و باورهای کاملاً مشخصی دارند که خویشتن مستحکم را به نمایش می گذارند. این افراد از لحاظ عاطفی پخته بوده و می توانند به میل خود رفتار یا احساس کنند (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۲۰۰۷). در تبیین این یافته می توان گفت مفهوم تمایز یافتگی به تعامل شناخت، عاطفه، استقلال (فردیت) و جمع بودن در گستره زندگی اشاره دارد و به عبارت دیگر تمایز یافتگی یک ترکیب پیچیده از پختگی هیجانی، توانایی تفکر منطقی در موقعیت های هیجانی و توانایی حفظ روابط نزدیک عاطفی است (دریک، ۲۰۱۱). افرادی که "خود" در آنها کمتر تمایز یافته است، در روابط خود با دیگران بخصوص در اقدام به ازدواج، دچار انحلال و هم آمیختگی می شوند. و این افراد به شدت تمایل به هم رنگی و همسانی با دیگران داشته و عزت نفس آنها به اطرافیان بستگی دارد (میسر ۲۰۱۱). و گریز عاطفی نیز تمایل به خروج از رابطه و عقب نشینی عاطفی پرتنش مثل ازدواج نشان می دهد. در شرایط پرتنش عاطفی مثل ازدواج، فرد تمایز نایافته نیاز به فرار، اجتناب یا نادیده گرفتن موقعیت دارد درحالی که با افزایش تمایز یافتگی، فرد تجربه های هیجانی رتبه رسمیت شناخته و قادر خواهد با هیجانات قوی تر روبه رو شود و با آنها کنار بیاید (دریک، ۲۰۱۱). با توجه به یافته های به دست آمده از این فرضیه و نتایج تحقیقات مشابه باید در نظر داشت که زوجینی که از تمایز یافتگی بالاتری برخوردارند، بهتر می توانند نقاط قوت و ضعف خود را شناخته و به نیازهای واقعی خود و توقع از همسرانشان واقف باشند. همسرانی که توانایی کنترل احساسات و هیجانات خود را دارند و بر نحوه ابراز احساسات و هیجانات خود نسبت به دیگران علی الخصوص همسرانشان تسلط دارند، مانع بروز بسیاری از برخوردها و سوء تفاهات در روابط زناشویی خود می شوند. همچنین آنهایی که توانایی همدلی کردن با دیگران را دارند، توان درک احساسات دیگران را نیز دارند و برای همسران خود حق داشتن

احساس مستقل را قائل می‌شوند. همسرانی که برای رسیدن به هدف در زندگی خود انگیزه‌ای دارند نسبت به آینده و موقعیت‌های خود در مواجهه با دشواری‌ها، خوش‌بین بوده و دارای انرژی روانی کافی هستند و می‌توانند با دیگران خصوصاً با همسرشان ارتباط برقرار نمایند. در نتیجه خود تمایز یافتگی در میان دانشجویان متأهل می‌تواند سبب ایجاد توازن در زندگی مشترک آن‌ها گردد. بی‌شک خانواده مهم‌ترین نهاد اجتماعی است که دوام و پایداری جامعه و نسل‌های پی‌درپی آن در قوام و پایدار ماندن آن است. از جمله تغییرات مهم این عصر، افزایش سن ازدواج است. جامعه ایرانی، جامعه‌ای دینی و دارای ارزش‌های خاص خود است که هرگونه روابط دوستی با جنس مقابل خارج از دین منع می‌کند (محمدزاده، ۱۳۹۶). از دیدگاه اسلام اصل رابطه دختر و پسر ممنوع نشده است، بلکه اسلام آن را ارزشمند و نظام‌مند کرده است و با نگاه به شخصیت انسانی هم که به‌طور قطع در روابطی سالم خود را نشان می‌دهد، در تعاملات اجتماعی حضور یابند؛ اسلام می‌خواهد انواع لذت‌های جنسی در محیط و درون خانواده شکل گیرد و از این طریق، آرامش روحی و روانی و پیوندهای عاطفی نیز برقرار بماند و با طرح آن در محیط جامعه، به پیوند خانواده و اجتماع نیز آسیب وارد نشود (احمدپور، ۱۳۹۴). ازدواج تنها راه مشروع برقراری رابطه با جنس مخالف در ایران است و اکنون این راه با موانع زیادی مواجه شده است. در این میان، تغییرات آرام و تدریجی ارزش‌ها در حوزه مناسبات دختر و پسر نیز یکی از این موارد است که مسئله رابطه دختر و پسر را پیچیده‌تر کرده است و یافتن پاسخی درخور برای آن را دشوارتر کرده است. اما پای دیگر مسئله، افزایش تحصیلات در سال‌های اخیر و ورود دختران به عرصه‌های اجتماعی (دانشگاه و کار) بوده است که به تدریج ارتباط دختر و پسر را ساده و فناوری‌های ارتباطی جدید مانند تلفن همراه و چت کردن از طریق برنامه‌های (شبکه‌های اجتماعی مجازی) این ارتباط را پنهان کرده است. (اسدیان و نجفی، ۱۳۹۴).

تئینی که برای نگرش به ازدواج و روابط قبل از ازدواج می توان داشت این است که افراد با این نوع نگرش ها دارای سطح بالایی از هیجان خواهی هستند. درواقع این افراد میل به رها کردن خود از قیدوبندهای اجتماعی به خاطر لذت جویی دارند و هیجان را از خلال معاشرت با دیگران و تجارب جدید، کسب می کنند. می توان گفت هیجان طلبی یک خصیصه شخصیتی است که بارزترین نمود آن را در دورهمی نوجوانی می توان شاهد بود. همچنین ریشه نگرش مثبت افراد به روابط قبل از ازدواج را می توان در چگونگی روابط بین والدین و نوجوانان جستجو کرد. به عبارتی دیگر می توان گفت این دسته از افراد به علت اینکه روابط ناسامانی با والدین و همچنین اعضای خانواده خود دارند، به دنبال کسب منبع حمایت و صمیمیت به سوی این نوع از روابط کشیده می شوند و به تبع آن به رفتارهای پرخطری مانند برقراری روابط جنسی پیش از ازدواج تمایل پیدا می کنند.

همچنین فرض می شود نگرش به روابط با جنس مخالف قبل از ازدواج می تواند تحت تأثیر آن دسته از فیلم ها و برنامه هایی قرار بگیرد که این گونه روابط را ساده تلقی می کنند. یافته ها نشان دادند که عوامل فرهنگی - اجتماعی؛ طبقه تجربیات اولیه و مشاهده الگوهای ناقص؛ آگاهی و شناخت یکدیگر؛ حمایت - های مادی و معنوی؛ طبقه ادراک حرمت و قداست ازدواج؛ فشارهای ازدواج؛ دخالت والدین و انتقال بین نسلی؛ عوامل اقتصادی؛ راهبردهای مقابله متناسب با نگرش؛ رشد شخصی ادراک شده و اشتیاق به ازدواج؛ در تمایل به ازدواج و بالا رفتن سن ازدواج به عنوان عوامل مؤثر در شکل گیری نگرش دانشجویان متأهل به ازدواج شناخته شده است (زارع شاه آبادی و سلیمانی، ۱۳۹۱). در پژوهش خود نشان دادند ارتباطات پیش از ازدواج بخشی از فرآیند عادی زندگی محسوب می شود که می توان آن را با درک نیازهای طرفین به یک رابطه قراردادی و نظام مند تبدیل کرد و ارتباط دو جنس نه در جهت تخلیه عاطفی، بلکه به منظور اهداف متعالی تر همچون کسب مهارت های ارتباطی برقرار شود. روابط قبل از ازدواج، در بین جوانان اغلب به عنوان تجربه های آزمون و خطا نگریسته می شود که موجب به دست آوردن تجارب

مهمی برای آینده فرد خواهد شد (رجبی، نادری و خجسته‌مهر، ۱۳۹۲). نتیجه این که مشاوره قبل از ازدواج کمک می‌کند که زوجین با شناخت خود و شریک جنسی آینده، شفاف ساختن انتظارات خود از یکدیگر، ارتقاء مهارت حل مسئله و آگاه شدن از خصوصیات سازگار و ناسازگار در دوره قبل از ازدواج روابطشان را بهبود بخشند. همچنین آموزش در رابطه با نگرش صحیح به ارتباط قبل از ازدواج، در قالب آشنایی و شناخت پیش از ازدواج و کاهش تابوها و بومی‌سازی شرایط ارتباط با توجه به فرهنگ و مذهب ایرانی و سوق دادن روابط به سمت صحیح توصیه می‌شود. همچنین استفاده از رسانه‌های اجتماعی برای اطلاع‌رسانی به کل جامعه درباره اهمیت مدت آشنایی و ایجاد راهکارهایی که متناسب با فرهنگ است و گزارش آماری درباره پیش‌آگاهی ازدواج در زوجین که مدت آشنایی آن‌ها طولانی‌تر بوده، و راغب کردن خانواده‌ها به ایجاد شرایط مناسب برای مدت آشنایی و کاستن از سخت‌گیری‌های بی‌مورد و کریشه‌ای. در پایان با توجه به یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که عوامل مختلفی در نگرش به ازدواج نقش دارند که سطح تمایز یافتگی، سبک دلبستگی و روابط قبل از ازدواج از جمله آن‌ها است و شناخت جامع و کامل نسبت به آن‌ها می‌تواند افراد را در سوق دادن به ازدواج به‌موقع یاری کند؛ لذا توجه به نتایج و کاربست آن‌ها در برنامه‌های آموزش پیش از ازدواج و مداخله‌های رشدی و درمانی می‌تواند حائز اهمیت باشد.

سپاسگزاری:

مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی بالینی است. در پایان از آن دسته دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد کرمانشاه که در این پژوهش همکاری داشتند تشکر و قدردانی می‌شود.

تضاد منافع:

هیچ گونه تضاد منافی برای نویسندگان این مقاله وجود ندارد.

منابع

- ۱) احمد پور، علی (۱۳۹۴). «آسیب های اخلاقی رابطه پسر و دختر»، فصلنامه معرفت، ۲۴ (۲۰) ۱۱۸-۱۳۰
- ۲) اسدیان، داوود؛ محمدزاده، علی و نجفی، محمود (۱۳۹۴). «بررسی نگرش به دوستی لا جنس مخالف در بین دانشجویان نخبتر و پسر»، مجله تحقیقات علوم رفتاری، ۱۳ (۳)، صص ۵۱۸-۵۰۹
- ۳) بانکی پور فرد، احمد (۱۳۹۰). «درآمدی بر آمار ازدواج جوانان در ایران»، معرفت در دانشگاه اسلامی، دوره ۳، شماره ۱۵، صص ۲۶-۴۷.
- ۴) بیرامی، منصور؛ فهیمی، صمد؛ اکبری، ابراهیم و امیریپچاکلایی، احمد (۱۳۹۱). «پیش بینی رضایت زناشویی براساس سبک های دلبستگی و مؤلفه های تمایز یافتگی»، مجله اصول بهداشت روانی، ۱۶ (۱)، صص ۱۴-۷۷.
- ۵) عظیمی هاشمی، مژگان؛ اعظم کاری، فایزه؛ بیگانه، معصومه و رضا منش، فاطمه (۱۳۹۴). «ارزش ها، نگرش ها و الگوهای کنش جوانان درخصوص همسرگزینی و روابط پیش از ازدواج، (مورد مطالعه دانشجویان دانشگاه های استان خراسان رضوی)»، مجله راهبرد فرهنگ، ش ۲۹، صص ۱۷۹-۲۱۲.
- ۶) محمودیان، حسین و دراهکی، احمد (۱۳۹۳). «عوامل موثر بر نگرش جوانان به روابط دوستی دختر و پسر قبل از ازدواج»، مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، ۱۳ (۲۳)، صص ۱۰۱-۱۱۹.
- ۷) محمدزاده، علی (۱۳۹۶). «بررسی آسیب های فرهنگی-روانشناختی اساسی در بین دانشجویان دختر و پسر»، فرهنگ در دانشگاه اسلامی، ۷ (۱)، صص ۵۷-۷۴.
- ۸) موسوی، سیده فاطمه و رضاراده، محمدرضا (۲۰۱۴). «بررسی نقش نگرش به عشق درپیش بینی طلاق عاطفی زنان و مردان متأهل شهر قزوین»، فصلنامه مطالعات اجتماعی-روان شناختی زنان، ۱۲ (۳)، صص ۱۶۹-۱۸۸.
- ۹) مؤذنی، طاهره؛ آقایی، اصغر و گل پرور، محسن (۱۳۹۲). «پیش بینی سبک های دلبستگی فرزندان براساس شیوه های فرزند پروری والدین»، آموزش و ارزشیمایی (علوم تربیتی)، ۷ (۲۵)، صص ۸۷-۹۹.
- ۱۰) خلیج آبادی فراهانی، فریده (۱۳۹۵). «درفراتحلیل پژوهش های انجام شده درمورد رابطه جنسی قبل از ازدواج در دانشجویان در ۱۵ سال گذشته (۱۳۸۰-۱۳۹۴)»، فصلنامه خانواده پژوهشی، ش ۳۳۹، صص ۳۶۷-۳۴۷.
- ۱۱) کریمی، یوسف (۱۳۹۳). نگرش و تغییر نگرش، تهران، موسسه نشر ویرایش.
- ۱۲) گروسی فرشی، تقی (۱۳۸۰). رویکردی نوین در ارزیابی شخصیت (کاربرد تحلیل عاملی در مطالعات شخصیت)، چاپ اول، تبریز: نشر دانیال و جامعه پژوه.

- ۱۳) فاطمی اصل، شهریار؛ گودرزی، محمود؛ کریمی ثانی، پرویز و بوستانی پور، علیرضا (۱۳۹۸). «اثربخشی زوج درمانی هیجان مدار بر احساس تنهایی زنان آسیب دیده از روابط فرازنشویی در شهرستان سلماس»، دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی سال بیستم، شماره ۲، تابستان، پیاپی ۷۶، صص ۵۷-۴۸.
- ۱۴) رفاهی، ژاله؛ گودرزی، محمود و میرزایی چهارراهی، مرتضی (۱۳۹۱). «بررسی عوامل موثر بر شکل گیری رابطه دوستی پیش از ازدواج بین دختران و پسران از دیدگاه دانشجویان»، زن و جامعه، ۱ (۳)، صص ۱۳۴-۱۱۷.
- ۱۵) زارع شاه آبادی، اکبر و سلیمانی، زکبه (۱۳۹۱). «بررسی عوامل مرتبط با گرایش دانشجویان به روابط پیش از ازدواج در دانشگاه یزد»، رفاه اجتماعی، ۲ (۱۲)، ۳۶۴-۳۳۹.
- ۱۶) نعیمی، قادر (۱۳۹۴). «نقش مؤلفه های سلامت خانواده اصلی و ابعاد تمایز یافتگی خود در پیش بینی رغبت به ازدواج در دانشجویان»، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان درمانی، سال ششم، (۲۱)، صص ۵۴-۶۹.
- 17) Baker, C. N. Horger, M. (2012). Parental childrearing strategies influence self-regulation, socio emotional adjustment, and psychopathology in
- 18) Belyad, M., Nahidpour, F., & Azadi, SH. (2016). The Role of Mediation differentiation in the relationship between depression and marital satisfaction. *Journal of Psychological Methods and Models*. 8(27), 109-126.
- 19) Bowlby, J. (1980). Attachment and loss: Loss, sadness and depression (Vol. 3), New York: Basic Books.
- 20) Bowlby, J. (1969). Attachment and loss. Vol. I: Attachment. London: Penguin.
- 21) Bowen, M. (1976). Theory in the pratic of psychotherapy. InP.J. Guerin Family therapy: Theory and practic(pp.42-90). newYork7Gradner press.
- 22) Brown, S; A. Sanchez; Nock; J. Deines. & J. wright. (2006). Links between premarital cohobition and subsequent Maarital quality, stability, and Divorce: A comparison of covenant versas standard marriage. *social science Research*,35(2):454-470.
- 23) Drake, J. R. (2011). Differentiation of Self Inventory –Short Form: Creation & Initial Evidence of Construct Validity. PhD Dissertation, University of Missouri-Kansas City
- 24) Goldnberg, I. and Goldberg, H. (2006). Family Therapy, (translation by Mohammad Reza Hossein Shahi Boravati, Siamak Naghshbandi and Elham Arjmand). Tehran: Psychological Publishing.
- 25) Goldnberg I, Goldberg H. (2007). Family therapy: an overview. 8th Edition. Boston: Cengage Learning.

- 26) Guzmán-González, M., Lafontaine, M. F. and Levesque, C. (2016). Romantic Attachment and Physical Intimate Partner Violence Perpetration in a Chilean Sample: The Mediating Role of Emotion Regulation Difficulties. *Violence Vict*, 31(5): 854-868.
- 27) Gyuris, P., Járαι, R. and Bereczkei, T. (2010). The effect of childhood experiences on mate choice in personality traits: Homogamy and sexual imprinting. *Personality and Individual Differences*, 49: 467–472.
- 28) He, S. and Tsang, S. (2014). Male partners' attachment style predictors of women's coerced first sexual intercourse in Chinese college students' dating relationships. *Violence Vict*, 29(5): 771- 783.
- 29) Hoseini, F. and Alavi Langroodi, S. K. (2017). The role of attachment styles and marital satisfaction on sexual satisfaction through the mediation of love among married. *Women's Sociological and Psychological Studies*, 15(3): 8-9
- 30) Kim HS, Jung YM. (2015). Self-differentiation, family functioning, life satisfaction and attitudes towards marriage among South Korean University students. *Indian J Sci Technol*, 8(19):76862.
- 31) Maser, M. J. (2011). A Construc Validity of Differentiation of Self Measures & their Correlates. PhD Dissertation, Seton Hall University
- 32) Memani P, Mathitti V. A comparative study of the marital attitudes of students from divorced, intact and single parent families: University students from divorced, intact and single parent families: University of Western cape; 2003 [updated 2016; cited 2015]. Available from:
- 33) Monteoliva, A., Garcia-Martinez, J. M. and Calvo-Salguero, A. (2016). Perceived Benefits and Costs of Romantic Relationships for Young People: Differences by Adult Attachment Style. *J Psychol*, 150(8): 931-948.
- 34) Payne, P.B. (2010). Spiritual beliefs in Family Experiences and Couples Cocreation of spiritual beliefs During the Early Years of Marriage, Doctoral dissertation, Norton School of Family and Consumer Sciences Division.
- 35) Rajabi, G., Naderi, Z. and Khojasteh Mehr, R. (2013). Investigating the Outcomes of Growth and Development After Harm to Students. *Health of Psychological Principals Magazine*, 15 (2): 110-10.
- 36) Rajabi, S., Alimoradi, KH., Moradi, N. (2017). The structural relationship between spiritual well-being and marital satisfaction with the mediating role of emotional intelligence and its differentiation. *Journal of Psychological Methods and Models*. 8(28), 19-48.

- 37) Stanley, S. M., Rhoades, G. K., & Whitton, S. W. (2010). Commitment: Functions, formation, and the securing of romantic attachment. *Journal of family theory & review*, 2 (4), 243- 257.
- 38) Tach, L.& Halpern. (2012). marital quality and Divorce Decisions: Ho Do Premarital Cohabition and Nonmarital childbearing Matter Family Relations .61(4):571-587.